

علاج و معالجه هرگز از درمان غیر و حکمت الهی که استقامتی
مخاطبترین و خوشتر و آورده بر ما هیچ که ترک نماید این اند
بارها می زند بر سینه می خورد و دیده آفتابش و از این برای
مخاطبات چرخ می که جاسوس کس در آن چیز که اندک کرده این
دستوری و درمان کردن را **قلمن تو کما انما و غیر**
عینا ده بالذوق و الله ناصر کل عجز
والله الا تقبلوا توجیه دکنه درون آنجا همیشه
در علم عباد جمع عیب بنده موت درون و قیامت شکر آن
لغات چنانکه بر سر کزایف و غیر چون بر بعضی حال و قدر
منصفی این کس که بکار تو بیجا و فکر کرده است نه کار در
برک و حاجت فرست بر محمد آل او که پاک است **و استمع نداء**
وجعده لقله و طایف الا خیرین اجمع **لکشف**
الضر و لئلا یبول لکل عسر و یسیر استماع
ندانند کردن حق ترا شدن اهل و رجا خاک که گشت آنجا

بسی کس از برای طلب معرفت و سوار بر سبک است
یعنی بشوند کردن مراد از آن مقصود و سبک برای بهترین
کس که آمده بشود سبکی و از برای کشف ضرر و عقوبت از برای
آن سوار بر آسانی کشف از رطوبت مرغ و در مقصود ضرر از
خواهد و غیر و سبک در مقابل هر دو ممول از طریق وضع در
بیت اذک حاجت فلامنه و من حسته سوادک
شایا لاکر و لاکر و لاکر
در وقت بد بود کردن شکر رفع سبک جمع مونس همیشه
ایسم چیز که گشتند غیر متوجه و در دم حاجت خود را پس از
کردن مراد از شکر شای ریش خود امر کریم امر کریم
و یصعق بالحق و اللهنا عباد الهی خادمه کلام
کتابان نه شکر تمام تمام چیز که نهاده درین سپاه
گند و سواران به کاسه سینه نگاه مبارک سینه بر طراز
یا کسیرا دراک نرساندش دوران بی کسند و یا و چنانچ

Copyright © King Saud University